

نویدنو

شماره ۴۵۸

۱۳۸۸/۰۲/۲۷

به مناسبت ۲۱ اردیبهشت ماه، سالگرد تیرباران خسرو روزبه :

مشعل فروزان امید و پیکار



برای نسل جوان که پای در میدان دشوار مبارزه گذاشته است، نام و خاطره خسرو روزبه همچون نسل های پیشین الهام بخش و ارجمند است. نسل های پی در پی آرمان خواهان میهن ما به حق روزبه را تجسم اصولی و بی خدشه مبارزه انقلابی می دانند، از او می آموزند و راه پرفراز و نشیب نبرد برای سعادت توده های کار و زحمت را با گام هایی که استواری آن از روزبه به ارث رسیده طی می کنند.

بیش از نیم قرن از تیرباران رفیق خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران می گذرد. در سحر گاه ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۳۷، رژیم کودتا آمریکایی با تیرباران خسرو روزبه به زعم خود کوشید "آخرین" شعله های رزم و پیکار را خاموش ساخته و سکوتی گورستانی را بر میهن ما حاکم کند .
اما تاریخ نشان داد، آنکه در گورستان فراموشی با ننگ ابدی به خاک سپرده شد، رژیم ضد ملی شاه بود و آنکه تا به امروز در اندیشه و اراده جویندگان راه حقیقت زنده و مزده بخش است، خسرو روزبه، حزب و آرمان ها و آرزوهای شریف و انسانی اوست!

برای نسل جوان که پای در میدان دشوار مبارزه گذاشته است، نام و خاطره خسرو روزبه همچون نسل های پیشین الهام بخش و ارجمند است. نسل های پی در پی آرمان خواهان میهن ما به حق روزبه را تجسم اصولی و بی خدشه مبارزه انقلابی می دانند، از او می آموزند و راه پرفراز و نشیب نبرد برای سعادت توده های کار و زحمت را با گام هایی که استواری آن از روزبه به ارث رسیده طی می کنند. نقش و تأثیر زندگی و پیکار رفیق شهید خسرو روزبه در جنبش مردمی کشور ما، به ویژه در میان مدافعان سوسیالیسم و رهایی طبقه کارگر، تا به آن پایه است که تحریف شخصیت و جایگاه تاریخی خسرو روزبه در نوشته ها، جزوات و تاریخ نگاری های وابستگان به امپریالیسم و رژیم واپس گرای ولایت فقیه، جای ویژه ای را به خود اختصاص داده است .

خسرو روزبه در دفاعیات خود مسیر زندگی خویش را که منجر به پیوستن به صفوف حزب توده ایران و مبارزه در راه سعادت و خوشبختی توده های محروم شد با کلماتی آتشین و پرشور بیان می کند، کلماتی که هنوز نیز پس از سالیان دراز انگیزه بخش و شورآفرین است. روزبه در بیدادگاه نظامی خطاب به دادرسان اعلام می دارد: "اگر عاشق و شیفته سوسیالیسم هستم، با تمام عقل و شعور و منطق و درایت خود برتری اصول آن را بر سایر رژیم ها احساس کرده ام و محرک من در هر عملی که انجام داده ام، آرزوی تحقق این اصول

و بالنتیجه ایجاد بنای نوین برای جامعه ایران و سرانجام تامین سعادت و رفاه و سربلندی و آزادی و شرف ملت عزیزم بوده است ... من به اقتضای آتشی که به خاطر خدمت به خلق های ایران در درون سینه ام شعله می کشد راه حزب توده ایران را برگزیده ام و باید اذعان کنم که جانم، استخوانم، خونم، گوشتم، پوستم و همه تار و پود وجودم این راه را، راه مقدسی شناخته است و تمام سلول های بدن من و تمام ذرات وجودم توده ای است ... ” آیاچنین کلمات شورانگیزی درباره مبارزه برای خوشبختی انسان و توده ی محروم را می توان با تحریف و دروغ پردازی از ذهن جستجوگر و تشنه حقیقت نسل جدید مبارزان آرمان گرای امروز ایران زدود؟! پاسخ بی تردید منفی است .

زنده یاد رفیق احسان طبری در مطلبی به نام ”هدف زندگی چیست؟“ با ژرفکاوای ویژه خود به بررسی مساله سعادت انسان به عنوان هدف زندگی پرداخته و با تاکید براینکه: ”هدف زندگی کنونی ما آفرینش، کار و پیکار برای به پا داشتن کاخ پیروزی و سعادت و عظمت انسانیت است.“ در خصوص انسانی که پای در راه مبارزه می گذارد و سعادت را درنبرد اجتماعی به سود عدالت و برابری می بیند، از جمله نوشته است: ”کسی به سعادت نبرد اجتماعی دست می یابد که دارای عقل واقع بین، روح انسانی و اراده نیرومند انقلابی است. به ویژه اراده قوی نقش درجه اول دارد زیرا عصر ما هنوز عصر مشکلات و موانع است. برای آنکه خوب بکوشیم و نیکو به رزمیم باید قوی الاراده باشیم. اشخاص ترسو، بی پشتکار، متزلزل، مردد، بدبین، ناتوان در مقابل کوه دشواری ها خرد می شوند. ولی اراده ای که با عقل واقع بین و روح انسانی همراه نباشد نیروی اهریمنی است. لذا باید تربیت نسل معاصر بر روی این سه محور (عقل واقع بین، روح انسانی و اراده نیرومند انقلابی) و به ویژه محور تربیت اراده قوی متکی شود. باید روح قهرمانان انسان دوست و واقع بین را در نسل معاصر رخنه داد. این است محمل معنوی حرکت به جلو.“ [هدف زندگی چیست، نوشته های فلسفی و اجتماعی-جلد اول-احسان طبری- چاپ سوم -۱۳۸۶ صفحه ۳۲۲]

باید اضافه کنیم برای رخنه روح قهرمانان انسان دوست و واقع بین و برای تربیت اراده نیرومند انقلابی نسل جوان کنونی در مبارزه برای خوشبختی، خسرو روزبه از جمله نمونه های برجسته ای در تاریخ معاصر میهن ما است!

گل سرخ نو می کند یاد دوست

که رنگ گل سرخ از خون اوست

بهارا، گل تازه را یاد ده

ز سرو کهن، خسرو روزبه

...بخشی از منظومه بلند خون بلبل اثر شاعر بزرگ ملی ه. ا. سایه اسفند ماه ۱۳۵۸ .

نامه مردم

مخالفان و انتخابات

احمد سپیداری

بسیاری از مخالفان شرکت در انتخابات اخیر ریاست جمهوری، با جنگ زرگری دانستن تقابل ها، همه چیز را به یک خیمه شب بازی بزرگ مشابه دانسته و از مردم می خواهند که فریب کاندیدها را نخورده و با تحریم انتخابات جلوی "مشروعیت بخشیدن به رژیم" را بگیرند.

اگر چه میدان سیاست به تئوری زنده و باشکوه با ده ها میلیون بازیگر و تعزیه گردان تشبیه می شود، اما در عالم سیاست معمولا همه چیز واقعی ست. جنگ زرگری دانستن اختلاف ها، آن هم بدین معنا که وقایع طبق یک سناریوی از پیش تعیین شده سازمان می یابد، در این عرصه جایی ندارد. در واقع در فرایندهای سیاسی یک جامعه، آنقدر تضاد و تناقض پیش برنده ی سیر رویدادها وجود دارد که نمایشنامه نویسان را مایوس می کند و حتی بازارچه کوچکی مانند بازار زرگر ها را با کرکره های بسته ی اعتراض به عرصه ی کارزار می کشاند و در یک جنگ سیاسی تمام عیار درگیر می نماید تا قانونی مصوب دولت و مجلس را در کسب منافع خود مکتوم بگذارند. مبارزات سیاسی اصلاح طلبان با اصولگرایی نشسته بر مسند قدرت بویژه در جریان شبه انتخابات اخیر نیز از این قاعده مستثنی نیست و واقعی تر از آنی ست که بتوان آن را زرگری دانست، چه اگر با این یا آن مضمون آن اساسا موافق باشیم یا نباشیم یا دامنه ی تضادهای شکل دهنده ی آن را محدود بدانیم یا ندانیم.

باید پذیرفت که ادعای اپوزیسیون در نقد انتخابات موجود تا حد زیادی صحیح است. نمی توان منکر آن شد که از جمهوریت جمهوری اسلامی ایران تقریبا چیز زیادی باقی نمانده است. رژیم جمهوری اسلامی از پس ده ها سال تلاش برای بیرون راندن همه دگر اندیشان و حتی موافقان و منتقدانی که ندای مخالفی با آن در هر مقطع ساز کرده اند، و با تمرکز قدرت در دست رهبری و بویژه با پایان دادن به دوگانگی بخش هایی از قدرت در طی سال های "آشویی" دوم خرداد، امروز آشکارا به یک نظام سلطانی تبدیل شده است. خدمات ویژه ی دولت احمدی نژاد در زمینه جایگزینی حکومت اسلامی به جای جمهوری اسلامی نیازی به توضیح بیشتر ندارد و برای همه کسانی که از نزدیک با مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور آشنایی دارند، مشهود است.

البته چنین روندی در تمام این دوران پر نشیب و فراز با مقاومت های گوناگون چه در میان مردم و نیروهای پیشرو مدافع آنان و چه در بدنه ی وسیع دولت و نهاد های حکومتی به اشکال گوناگون روبرو بوده و هست. و این تضاد یکی از تضادهای محوری تحولات در کشور ما بوده است. سلطنت اسلامی موافقان خود را داشته و دارد، اما مخالفان نظام سلطانی در کشور ما ایران را می توان به گروه بندی های مختلفی تقسیم کرد.

گروه اول جمهوری خواهان اند که اساسا با هر گونه حکومت سلطنتی، چه سکولار و چه اسلامی مخالف اند. اگر چه این گروه خود به جریانات مختلف مدافع یا مخالف سرمایه داری، یا اسلامی و

سکولار قابل تقسیم است، اما بیشتر مدافعان آن در لزوم چرخشی بودن مسئولیت های نظام در طی انتخابات آزاد و دموکراتیک با حضور احزاب و سازمان های سیاسی و تقسیم قدرت بین جامعه مدنی و قوای حاکم از یک سو و رعایت حقوق دموکراتیک مردم و حقوق بشر از سوی دیگر متفق القول اند. جریان های چپ کشور عموماً در چنین طیفی جای می گیرند.

گروه دوم مشروطه خواهان اسلامی اند. مشروطه خواهی اسلامی در واقع شامل طیف وسیعی از جریان هاست که حول و حوش اصلاح طلبان و دوم خردادی ها تجمع یافته اند. مشروطه خواهان اسلامی شامل دو گروه رادیکال و میانه روست. می توان باور داشت که مشروطه خواهی بخش هایی از اصلاح طلبان رادیکال، بویژه جریانات برون حکومتی، یک استراتژی مرحله ای برای رسیدن به نوعی جمهوری باشد، اما فعالیت جناح راست مشروطه خواهان اسلامی را تنها می توان در اصلاح کار و تدابیر حکومتی سلطان و تا حدی مشروط ساختن آن خلاصه دید.

گروه سوم هم وجود دارد که با اساس سلطنت مخالفی ندارد، بلکه بیشتر با این سلطان و شیوه های حکومتی اش مشکل دارد و خود و یا نمایندگانش را افراد صالح تری برای جایگزینی سلطان موجود می داند. آیت الله رفسنجانی و طیف های نزدیک به او را می توان تا حد بسیار زیادی مصداق چنین جریانی دانست.

از طرح ماجرا های یک سال گذشته و استعفا ها و امتناع ها که بگذریم، و با در نظر گرفتن دلان تنگ احراز صلاحیت های شورای نگهبانان حاکمیت، هم اکنون دو کاندیدای مطرح از دوسوی جبهه ی اصلاح طلبی برای مصاف با محمود احمدی نژاد - کاندید دستگاه حکومتی - پا به میدان مبارزه گذاشته اند. این در حالی ست که همه ی امکانات حکومتی بویژه رادیو و تلویزیون و بسیج چند میلیونی با امکانات مالی بی پایان برای جلب و دخالت در سرنوشت آرا در اختیار کاندیدای حاکمان قرار دارد و در واقع یک شرایط نابرابر به هر دو این کاندیدا ها تحمیل شده است. خواست و هدف راهبران نظام به روشنی آن است که این دو کاندیدا یعنی مهندس موسوی و آیت الله کروبی در تنور انتخابات بسوزند و آن را برای پیروزی "چشمگیر" احمدی نژاد گرم کنند. اصلاح طلبان اما با توجه به عمق نارضایتی مردم از سیاست های رژیم به این امید دارند که با رویکرد مردم به آن ها، چنان تفاوت آرای را رقم بزنند که اعمال تقلب انتخاباتی در ابعادی وسیع تر برای جناح رقیب دشوار و غیر عملی گردد.

به نظر اینجانب مخالفت ها و رودررویی های بیرون و درون حکومتی موجود را می توان در چنین چارچوبی ارزیابی کرد و از چنین تحلیلی برای تعیین تاکتیک های درست سیاسی بهره گرفت. مهمترین سئوالی که باید به آن پاسخ داد آن است که آیا جمهوری خواهان می توانند به مبارزه ی سیاسی وسیع موجود بین مشروطه خواهان و مدافعان نظامی گرای حکومت سلطانی بی تفاوت بمانند یا از چنان توان، پایگاه و جایگاهی در جامعه برخوردارند که با حملات کینه توزانه علیه

کاندیداهای اصلاح طلب جبهه مبارزه ی دیگری بگشایند؟ پاسخ به چنین سئوالی تکلیف مبارزه را در این مرحله از کارزار روشن می سازد.

واقعیت ها بر خلاف خواست و باور تحریم گرایان بر این دلالت دارد که صف بندی و رودرویی اصلاح طلبان بویژه مهندس موسوی با ارکان قدرت استبدادی با پشتیبانی مردم عمق می گیرد و گسترش می یابد و شرکت نیروهای تحول خواه در این کارزار به مراحل اثر گذارتری نزدیک می شود. می توان و باید به رویش گرایش های دمکراتیک در این تحولات "سبز" خوشبین بود و در راه آن به مبارزه برخاست.

در دفاع از آزادی کارگران بازداشت شده

کارگر زندانی آزاد باید گردد!



منصور حیات غیبی همایون جابری غلامرضا خانی جعفر عظیم زاده شاهپور احسانی راد



علیرضا ثقفی سعید یوزی محمد اشرفی بهرام عابدینی

نامه ی خانواده های اعضای بازداشت شده ی تعاونی مسکن فلزکار و مکانیک به هاشمی شاهرودی،

مادر منصور اسالو خطاب به شاهرودی:

نامه ی فرزند یکی از کارگران بازداشت شده در روز جهانی کارگر

نامه ی اعتراضی ن.ژ.ت به مقامات ایران

نامه ی اعتراضی کمیته همبستگی بین المللی اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا-انتاریو

نامه ی خانواده های اعضای بازداشت شده ی تعاونی مسکن فلزکار و مکانیک به هاشمی شاهرودی،

رییس قوه ی قضاییه در خصوص روشن شدن وضعیت بازداشت شدگان

ریاست محترم قوه ی قضاییه

حضرت آیت ا... هاشمی شاهرودی

با سلام،

احتراما به استحضار می‌رساند، در تاریخ جمعه ۱۳۸۸/۲/۱۱ تعدادی از اعضای تعاونی مسکن فلزکار و مکانیک، که برای برگزاری جلسه‌ی گزارش دهی سالانه‌ی مسکن مهر، در محل تعاونی واقع در نعمت آباد، گردهم آمده بودند، به دلایل نامعلوم توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده‌اند. به رغم پیگیری خانواده‌ها برای اطلاع از اتهام و محل بازداشت ایشان، تا روز یکشنبه ۱۳۸۸/۲/۱۳ هیچ‌یک از نهادهای مسوول پاسخی به این پیگیری‌ها ندادند. در همان روز، ضابطان قضایی با مراجعه به منزل بازداشت شدگان، اقدام به تفتیش و ضبط برخی از لوازم منزل نمودند و محل نگهداری اعضای تعاونی را زندان اوین اعلام کردند.

ساعاتی بعد، تمامی بازداشت شدگان، طی تماس مستقیم با خانواده‌هایشان، به نقل از قاضی، خبراز آزادی خود در روز دوشنبه ۱۳۸۸/۲/۱۴ دادند. اما از آن روز تا کنون، قاضی دادگاه انقلاب، جناب آقای حیدری فرد، از آزادی بازداشت شدگان و دادن پاسخ روشن به خانواده‌های ایشان خودداری کرده و مرتبا رسیدگی به پرونده را به روزهای آتی موکول می‌کنند.

از روز چهارشنبه ۱۳۸۸/۲/۱۶ تماس تلفنی بازداشت شدگان با منازلشان قطع شده است و خانواده‌های ایشان هیچگونه خبری از سلامتی و محل نگهداری ایشان ندارند. با پیگیری‌های به عمل آمده مشخص شده است که دست کم تا تاریخ یکشنبه ۱۳۸۸/۲/۲۰ پرونده‌ی اعضای تعاونی در دست بررسی قرار نگرفته است و بازداشت شدگان بدون تفهیم اتهام هم چنان در بند به سر می‌برند.

لازم به ذکر است که همگی بازداشت شدگان از اقشارکارگر و زحمت کش هستند که ادامه‌ی بازداشت ایشان، وضعیت کاری و اقتصادی آنان را با مشکلات فراوان روبرو کرده و خواهد کرد. همچنین، در میان بازداشت شدگان، افراد مسن و بیمار و نیز افرادی که همسرانشان درگیر بیماری هستند وجود دارند و خانواده‌های ایشان در نگرانی و سردرگمی به سر می‌برند.

نظر به این که برابر قانون، بازداشت شهروندان بیش از ۲۴ ساعت بدون تفهیم اتهام مجاز نیست، از آن مقام محترم تقاضا نمودیم در خصوص روشن شدن وضعیت بازداشت شدگان و امکان ملاقات آنان با وکیل تعیین شده از سوی خانواده‌هایشان رسیدگی لازم مبذول بفرمایید.

با سپاس

خانواده‌های اعضای بازداشت شده‌ی تعاونی مسکن فلزکار و مکانیک

خانواده های: ۱. محمود گیلانی ۲. عبدا... وطنخواه ۳. عزیزمحمدی ۴. ستار امینی ۵. نبی معروفی ۶.
اسدا... اقبالی ۷. حسین اکبری ۸. حسن شفا ۹. حمید شرقی ۱۰. جمشید رجبی
۱۱. داوود میرزایی ۱۲. مصطفی حاتمی ۱۳. نودهی ۱۴. عزیز یاری ۱۵. ناصر ابراهیمی

مادر منصور اسانو خطاب به شاهرودی:

عدالت آیا این است؟

به نام خدا

ریاست محترم قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران

جناب آقای شاهرودی

با سلام و احترام

اینجانب فاطمه گل گزی مادر منصور اسانو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد که برای دفاع از حق و حقوق صنفی خود و همکاران، مدت سه سال است به صورتی ناعادلانه در زندان بسر می برد، تقاضا دارم به وضعیت فرزندم رسیدگی شود.

منصور اسانو طی دستگیری ها و طولانی شدن مدت زندانش آسیب های فراوان جدی جسمی و روحی دیده است و طبق دستور پزشکی قانونی عدم تحمل کیفر برای دومین بار برای ایشان صادر شده است ولی متأسفانه با مخالفت مقامات قضایی روبرو شده است. اینجانب به عنوان یک مادر ار آن مقام که بالاترین و عالی ترین مقام قضایی کشور می باشد سوالم اینست که:

- آیا با کسی که برای خدمت به مردم سال ها صادقانه در شرکت واحد انجام وظیفه نموده است باید اینگونه برخورد شود؟

- آیا به جای پاسخ به خانواده و آزادی بدون قید و شرط ایشان باید با بدترین برخوردها و بی تفاوتی های مسولان قضایی روبرو شویم؟

- یا این عدالت است که عروس من در سخت ترین شرایط با داشتن دو فرزند در رنج و عذاب باشد؟ در حالی که همسرش در چارچوب قانون اساسی و قانون کار جمهوری اسلامی ایران در جهت احقاق حقوق صنفی اش تلاش نموده است؟

- فرزند من منصور اسانو جز دفاع از حق و حقیقت که در قوانین ما مکتوب است، گناه دیگری ندارد و جایش در زندان نیست.

من از آن مقام و تمام مقامات مسئول کشور و مردم دلسوز ایران و جهان و همین طور از همه نهادهای مردمی و حقوق بشری درخواست دارم برای آزادی بدون قید و شرط پسر من مادر پیر و بیمار که حتی برای ملاقات فرزندم که در زندان رجائی شهر کرج است دچار مشکل هستم، تا عمری از من باقی

است کمک کنند و مادری را که با سختی های فراوان فرزندش را دلسوز و متعهد و وطن دوست تربیت کرده از رنج و سختی نجات دهند.

ضمناً پسرم پس از سال ها سابقه کار در شرکت واحد که دارای ۲۷ سال سابقه کار می باشد بدون هیچ حق و حقوقی اخراج شده است. چرا با کسانی که دلسوز و وفادار به این آب و خاک هستند اینطور رفتار می شود.

فاطمه گل گزی

۸۸/۱۲/۲

به زودی آخر ماه می شود، باید کرایه بدهیم!

نامه ی فرزند یکی از کارگران بازداشت شده در روز جهانی کارگر

در روز کارگر ۴۰ نفر از افراد حاضر در تعاونی کارگران فلزکار مکانیک را بازداشت کردند. اما در همان شب تعدادی از آنها را آزاد کردند، ولی ۱۶ نفر را، ماموران با خود به زندان اوین بردند که هنوز هیچیک از آنها آزاد نشده اند. بعضی ها میگویند که آنها در بند ۲۰۲ هستند، عده دیگری میگویند که آنها به همراه کسانی که در پارک لاله بازداشت شده اند، همگی در بند ۲۴۰ هستند. پدر من نیز جز ۱۶ نفری است که هنوز آزاد نشده است. به ما گفته بودند، پدرم به همراه بقیه کارگران زندانی، روز شنبه آزاد میشود ولی آزاد نشد، یعنی هیچکس را آزاد نکردند. بجای اینکه آنها را آزاد کنند ملاقات تعدادی از خانواده ها را قطع کردند. تنها در روز چهارشنبه گذشته به ۳ نفر اجازه ملاقات دادند. تا آنروز دو، سه بار به زندانیان اجازه داده بودند از طریق تلفن با خانواده هایشان ارتباط برقرار کنند اما از چهارشنبه گذشته کلیه ارتباطات تلفنی خانواده ها را قطع کرده اند. از بستگان کارگران و افراد زندانی امروز شنیدم که هنوز هیچکس را آزاد نکرده اند. آنها می گفتند کسانی که آزاد شده اند، افرادی بودند که رهگذر یا کسانی هستند که بطور اتفاقی دستگیر شده بودند. ما از روز ۱۲ اردیبهشت، هر روز برای آزادی کارگران زندانی اجتماع کرده یا به ارگانهای مختلف مراجعه کرده ایم اما یا وعده داده اند یا می گویند هنوز پرونده آنها تکمیل و بررسی، نشده است. امروز ۲ شنبه (۲۱ اردیبهشت) رفته بودیم مرکز شورای عالی قضایی و دادخواستی را به آنها دادیم. می گفتند قرار است بعضی از زنان زندانی را با گرفتن وثیقه آزاد کنند. اما تا آخر وقت امروز، تا ما در آنجا بودیم کسی آزاد نشده بود. وکیل هم گرفته ایم. امیدواریم نتیجه بگیریم.

خیلی از خانواده تنها نان آور خود را فعلاً از دست داده اند. بزودی آخر ماه میشود، باید کرایه خانه بدهند، فرزند مدرسه ای و دانشگاهی دارند، با این هزینه های زندگی نمیدانند چکار باید بکنند. اگر نان آوران خانواده ها آزاد نشوند خانواده های کارگران زندانی با دشواری های زیادی باید سر کنند.

خوشبختانه با این حال همبستگی و پیگیری خانواده ها تا حالا خیلی خوب بوده است. امیدوارم این همبستگی و پیگیری، تا خلاصی همه کسانی که در زندان هستند ادامه پیدا کند.

نامه ی اعتراضی ث. ژ. ت به مقامات ایران

کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه (س ژ ت)

بنا به گزارش کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه، تجمع و مراسم روز جهانی کارگر در تهران، که توسط تشکلات مستقل کارگری ایرانی در پارک لاله در اول مه ۲۰۰۹ برگزار شده بود، بطور خشونت آمیز توسط نیروهای امنیتی و انتظامی مورد تهاجم قرار گرفت، بسیاری مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و بیش از ۱۵۰ نفر بازداشت شدند. پلیس بیرحمانه به شرکت کنندگان از جمله زنان و کودکان در این مراسم با باتوم، گاز اشک آور و غیره حمله کرده و صدها نفر از مردم را با زور از پارک بیرون میکنند. تجمع اول مه در شهر سنندج نیز مورد تهاجم نیروهای لباس شخصی و انتظامی قرار گرفتند و شرکت کنندگان ضرب و شتم و بازداشت شدند. چند روز پس از حمله پلیس به مراسم اول مه، در حدود ۱۳۰ زن و مرد کماکان در بازداشت هستند. آنها در شرایط غیرقابل قبولی در بند ۲۰۴ زندان اوین در تهران محبوس میباشند. ما این حملات به حقوق کارگران برای سازماندهی و برگزاری مراسمهای اول مه را محکوم میکنیم. ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی دستگیرشدگان اول ماه مه هستیم. ما همچنین از دولت میخواهیم که حقوق کارگری از جمله تشکل یابی، تجمع و اعتصاب را محترم داشته، به آزار و اذیت فعالین کارگری خاتمه بخشیده، تمامی کارگران زندانی را آزاد نموده و نسبت به فعالیتهای تشکلات مستقل کارگران مداخله ننماید.

CGT Addsea

نامه ی اعتراضی کمیته همبستگی بین المللی اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا-انتاریو

کمیته ی همبستگی بین المللی اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا - انتاریو نیز، در نامه ای به علی خامنه ای و محمود احمدی نژاد ضمن اعتراض به سرکوب و بازداشت کارگران در ایران، خواهان آزادی فوری بازداشت شدگان روز جهانی کارگر شده است:

آقایان عزیز،

این نامه جهت اعتراض به تداوم اذیت و آزار، تعقیب و زندانی نمودن فعالین کارگری در ایران و نیز بطور مشخص سرکوب سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه برای شما ارسال میگردد. طبق آخرین اطلاعات رسیده، پنج عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران هفت تپه، علی نجاتی، جلیل احمدی، فریدون نیکوفرد، قربان علیپور و محمد حیدری مهر، به یک سال حبس و محرومیت بمدت سه سال از فعالیتهای کارگری از جمله کاندیدا شدن بعنوان نماینده منتخب کارگران محکوم شده اند. از این گذشته، ما مطلع شده ایم که طرحهایی برای خصوصی سازی کارخانه و زمینهای کشاورزی و نیز بیکارسازی وسیع کارگران هفت تپه در میان است که میتواند زندگی چهار هزار کارگر و خانواده های آنان را مورد تهدید قرار دهد.

علاوه بر این، تجمع و مراسم روز جهانی کارگر در تهران در اول مه ۲۰۰۹، که توسط سازمانهای مستقل کارگری ایران سازمان داده شده بود توسط نیروهای انتظامی و امنیتی مورد حمله خشونت آمیز قرار گرفته و بسیاری مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و بیش از ۱۵۰ نفر بازداشت شدند. بیش از ۱۰۰ زن و مرد بازداشت شده کماکان در شرایط غیر قابل قبولی در بدن ۲۰۴ زندان اوین محبوس هستند. ما این حملات به حقوق کارگران و فعالین و تشکلات مستقل کارگری در ایران را محکوم میکنیم. کارگران باید از هرگونه حقی برای سازماندهی و گرامی داشت مراسم های اول ماه مه برخوردار باشند. ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی دستگیر شدگان اول ماه مه هستیم. ما همچنین از دولت می خواهیم که به حقوق کارگران برای تشکیل یابی، تجمع و اعتصاب احترام گذاشته، به آزار و اذیت فعالین کارگری پایان داده، تمامی کارگران زندانی را آزاد نموده و در فعالیتهای تشکلات مستقل کارگران مداخله ننماید.

کمیته همبستگی بین المللی اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا-انتاریو برای همبستگی کارگران با یکدیگر (همبستگی کارگر با کارگر) از این سوی تا آن سوی مرزها، در جهت پیشبرد مبارزه مشترک کارگران علیه جهانی سازی سرمایه داری، جنگ، فقر، نژادپرستی و خصوصی سازی، و برای برابری و عدالت اقتصادی و اجتماعی در سرتاسر جهان مبارزه میکند.

با احترام،

ایلیان بوربانو

رونوشت به: رئیس قوه قضایی، آیت الله محمود هاشمی شاهرودی، سفیر دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد، کمیته دفاع از کارگران هفت تپه، اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

منبع هر دو خبر: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

احمدی نژاد باید برود
بیانیه مشترک بیش از ۵۰ انجمن اسلامی دانشجویی

اینک زمان نشان دادن صلابت اراده هاست، حافظه ی تاریخی ما می گوید هیچ گاه ایران بعد از انقلاب چنین بر لبه ی خطرناک بحران ها قرار نگرفته بود، هیچ گاه چنین منافع ملت در معرض آسیب نبوده است، عزت و غرور ملی مان این چنین به دنبال ماجراجویی های سیاستمداران حاکم جریحه دار نشده بود و کرامت انسان ایرانی در جهان خدشه دار نشده بود. امروز پس از گذشت قریب به چهار سال از عمر دولت آقای احمدی نژاد بار دیگر با استناد به آنچه در این مدت بر ملت و مملکت مان رفته است اعلام می کنیم کارنامه ی دولت نهم منفی و غیر قابل دفاع بوده و ادامه حیات این دولت منجر به چشم انداز نگران کننده تری برای منافع ملت می شود:

کارنامه ی سیاست های دولت نهم در دانشگاه [۱]

به جرئت می توان گفت دانشگاه، این مهمترین کانون آزادی خواهی و روشنگری سهمگین ترین ضربات و بیشترین فشار ها را از جانب دولت نهم دریافت کرده است. احضار تمام نشدنی دانشجویان به کمیته های انضباطی و صدور احکام سنگین محرومیت از تحصیل و ممانعت از حضور دانشجویان منتقد به دانشگاه، سلب آزادی های آکادمیک به واسطه تهدید و اخراج اساتید برجسته و دگراندیش، تعلیق و جلوگیری از فعالیت های تشکل های دانشجویی مستقل و فشار بر اعضای انجمن های اسلامی دانشجویان جلوگیری از اجرای برنامه ها و فعالیت های دانشجویان، بازداشت و شکنجه بسیاری از دانشجویان منتقد و معترض به دولت، ایجاد محدودیت های اداری و سیاسی به ویژه در زمینه علوم انسانی و اجتماعی برای اساتید و دانشجویان، اعمال سهمیه بندی جنسیتی و بومی گزینی جنسیتی و جلوگیری از ورود دختران به دانشگاه و... تنها بخش کوچکی از حمله کینه توزانه دولت به دانشگاه است که همراه با گسترش کرختی و یاس و کاهش نشاط و امید در فضای دانشگاه و کاهش شاخص های کمی و کیفی آموزش عالی بوده است و روند فرار مغز ها و نیروی انسانی زبده را به دنبال داشته است.

مسئله شرم آور ستاره دار کردن دانشجویان منتقد و دگر اندیش خود به خوبی پرده از تنگ نظری و تمامیت خواهی مسئولین و مدیران امر بر می دارد. نامه سرگشاده بی سابقه ۱۰۹ نفر از اساتید دانشگاه خود به خوبی وضعیت اسفبار دانشگاه در ابعاد مختلف را به نمایش می گذارد.

از سوی دیگر بسط نگاه امنیتی و ایجاد فضای پلیسی و بستن تمامی روزنه های تنفس نهایت دشمنی دولتمردان نهم را با دانشگاه نشان می دهد. سوء استفاده از شهید و فرهنگ شهادت و ارائه تصویری خشونت گرا و غیر عقلانی از دین و تحمیل هزینه های سنگین به دانشجویان در این مسیر نه فقط سبب تحکیم خصایل والای انسانی در دانشگاه و جامعه نشده است بلکه به عکس جواب داده است و اساساً به باور های دینی نسل جدید ضربات سهمگینی وارد کرده است.

کارنامه ی سیاست های دولت نهم در عرصه ی اجتماعی و سیاسی

دولتی که شعار داده بود کابینه ای ۷۰ میلیونی می آفریند به سرکوب گسترده، سازمانی و بی وقفه جامعه مدنی پرداخت. این دولت تمام توان خود را به کار گرفت تا اندک نهاد های مدنی موجود را برچیند.

تعطیلی نسبتاً کامل مطبوعات به عنوان رکن چهارم دموکراسی، تهدید دائمی اندک روزنامه های مستقل، دخالت مستقیم و بی سابقه در روند مدیریتی نشریات و مطبوعات غیر دولتی و مستقل، سانسور شدید در عرصه کتاب و هنر، فیلترینگ فضای مجازی و اینترنت، افت کمی و کیفی تولیدات فرهنگی-هنری، سرکوب جنبش های اجتماعی از قبیل جنبش زنان، اقوام ایرانی، کارگران و معلمان، برخورد شدید و یورش به تجمعات مسالمت آمیز و قانونی زنان، کارگران، معلمان و دانشجویان و بازداشت، شکنجه و تعقیب فعالین آنها، برخورد بسیار خصمانه با با فعالان ترک و کرد و حتی در اویش، پلمپ غیر قانونی تشکل های حقوق بشری از جمله کانون مدافعان حقوق بشر و برخورد با گردانندگان آن، ایجاد رعب و وحشت در جامعه به بهانه گشت های ارشاد و برخورد با ارازل و اوپاش و...

همچنین نگاهی به عملکرد دولت نهم نشان از رکورد شکنی دیگر این دولت در عرصه کشورداری دارد. چه اینکه پس از پیروزی انقلاب تا کنون هیچ دولتی اینچنین چشم بر تحلیل های کارشناسانه در امر کشورداری نبسته است. [۲]

کارنامه ی سیاست های دولت نهم در عرصه ی اقتصادی [۳]

دولتی که قرار بود نفت بر سر سفره های مردم آورد، به مبارزه با فساد پردازد و عدالت گستر باشد با بها ندادن به مفاهیم بنیادی علم اقتصاد و عدم برنامه ریزی، شیوه اقتصاد دستوری و حتی بی توجهی به سذ چشم انداز بیست ساله، برنامه چهارم و سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی، تنش های ستیزگرانه با جهان، بی توجهی به هشدار و پیش بینی های اقتصاددانان کشور که به صورت چندین نامه در سال های گذشته گوشزد شده بود؛ عملاً عزم برچیدن سفره های بی رنگ و رونق مردم را دارد. تورم، بیکاری و فقر را به بالاترین حد خود رسیده و "نظام پولی و بانکی" و "فضای کسب و کار" تقریباً از هم فروپاشیده است و

یا در معرض فروپاشی است، امروز دولت به برکت آخرین دلارهای نفتی هنوز باقیمانده، می‌کوشد تا با بسط فرهنگ "گداپروری و صدقه سالاری" نگاه‌های مردم را در آستانه انتخابات به خود معطوف کند.

فساد اقتصادی و گسترش رانت خواری، ناسالم و غیر شفاف بودن عرصه اقتصاد، اکثریت مردم ایران را علی‌رغم برخورداری از مواهب طبیعی زیر خط فقر قرار داده است به گونه‌ای که آنان را حتی در تأمین مایحتاج روزانه خود دچار مشکل کرده است.

کارنامه‌ی سیاست‌های دولت نهم در عرصه بین‌المللی [۴]

موضع‌گیری و سخنان نسنجیده محمود احمدی‌نژاد در عرصه بین‌المللی علاوه بر هدر دادن منافع ملت ایران سبب مخدوش‌گشتن چهره صلح‌طلب و آزادی‌خواه ایرانیان در عرصه جهانی شده است.

دولت ماجراجوی نهم به اسم عزت کشور و اقتدار ایران بدون توجه به منافع ملت پیاپی تنش‌آفریده، کشور را در شرایط بغرنجی قرار داده و احتمال وقوع جنگ و تبعات ویرانگر آن نظیر ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش داده است. عدم اتخاذ سیاست‌های درست و متناسب با منافع ملت در خصوص پرونده هسته‌ای، ایران را اکنون با تحریم‌های گوناگون بین‌المللی روبه‌رو کرده است که آثار منفی تحریم‌ها، اینک آشکار شده است و هر چه بیشتر به پیش برویم آثارشان بیش از پیش نمایان خواهد شد. عدم تدبیر لازم در عرصه سیاست خارجی و درک درست از مناسبات دیپلماتیک و تعامل با جامعه جهانی سبب زیر سوال رفتن حاکمیت ملی ایران بر جزایر سه‌گانه تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی در برابر ادعای امارات شده و تقلیل حاکمیت مسلم ایران از ۵۰ درصد دریای خزر به ۱۲ درصد را در پی داشته است. همچنین نزدیکی بیش از حد، هزینه‌زا و بدون توجه به منافع ملت به بعضی دیکتاتورهای حاکم بر کشورهای آمریکای لاتین و عدم همراهی با جامعه بین‌المللی در عرصه منطقه‌ای زمینه‌ساز تقویت سوءظن جهانی به ایران و تشدید تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی بر کشور شده است.

جمع‌بندی

روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد و حضور نظامیان در حوزه اجرایی کشور، منجر به حاکم شدن یک نگاه امنیتی و سرکوبگر به جریان‌های اجتماعی و سیاسی گردید که ادامه روند سلب فضای تنفس از گروه‌ها و فعالین سیاسی آزادی‌خواه، کشور را در آستانه انفجاری اجتماعی قرار خواهد داد. از طرفی وضعیت اسفناک اقتصادی و تورم روزافزون، بحران‌های ناشی از مسائل فراگیر اجتماعی همچون مسکن، ازدواج، اشتغال و بسیاری بحران‌های ریز و درشت دیگر که کشور درگیر آن است چشم‌انداز نه‌چندان روشنی را برای جامعه و خصوصاً نسل جوان نشان می‌دهد. گرچه ایستادگی فعالین دانشجویان و فعالین مدنی و

اجتماعی در مقابل حملات سرکوبگرانه و بی خردانه دولت نهم تحسین برانگیز است اما این واقعیت آشکار شده است که ادامه این روند، زوال نهادهای مدنی، و خاموشی جنبش های اجتماعی را در پی و افزایش شورش های کورخیابانی ناشی از خشم و رنج را در پی خواهد داشت. سرگردانی مردم و ناتوانی در تامین نیاز های اولیه زندگی، سرخوردگی جامعه روشنفکری، کرختی و رخوت حاکم بر فضای دانشگاه، گرایش بسیار زیاد نسل جوان به اعتیاد و مواد مخدر سایه یأس و ناامیدی را بر سر جامعه افکنده است که در بخش زیادی از این معضلات رد پای سیاست های محمود احمدی نژاد را می توان دید.

افزایش روزافزون فساد، فقر، بیکاری، فاصله طبقاتی، ناهنجاری ها و معضلات اجتماعی، انزوا و تحریم های گسترده در عرصه بین المللی محصول دوران سیاه دولت نهم است. اینک بر اثر بحران های پیاپی و فراگیر؛ اقتصاد، اجتماع، سیاست و فرهنگ در وضعیتی آشفته اند و بدون شک ادامه این روند کشور را بیش از این در معرض مخاطرات جدی قرار می دهد که متاسفانه جبران آن توسط هیچ کسی امکان پذیر به نظر نمی رسد. برون رفت از این وضعیت حاد و نجات کشور نیازمند یک تصمیم گیری عقلانی از طرف همه ی گروه های اصلاح طلب و تحول خواه و همه علاقمندان کشور می باشد.

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری دهم و خاتمه یافتن دوران سیاه محمود احمدی نژاد قرار گرفته ایم. برخلاف سی سال گذشته که همواره حاکمیت از آن به عنوان "شرایط حساس کنونی" یاد می کرد، اتفاقا در مقطع کنونی شرایط واقعا حساس گشته است. روی کار آمدن دولت محمود احمدی نژاد فصلی جدید را برای کشور رقم زد که متاسفانه انتظار می رود مردم عواقب وحشتناک آن را تا سالیان متمادی بپردازند.

اینک لزوم ایفای نقش تاریخی از سوی کلیه نیروهای آزادی خواه بیش از پیش عیان می گردد. ما معتقدیم حضور دوباره محمود احمدی نژاد موجب تشدید تمامی بحران ها و فروپاشی اجتماعی خواهد بود. با صدای بلند فریاد بر می آوریم احمدی نژاد باید برود. نه به احمدی نژاد" و توقف روند فعلی می تواند تصمیمی عقلانی از طرف همه گروهها، احزاب و فعالین سیاسی و مدنی آزادی خواه و اصلاح طلب باشد.

]]

نزدیک به ۳۰۰ استاد دانشگاه در این مدت به طور ناخواسته بازنشست شدند. حدود ۱۰۰۰ دانشجوی ستاره دار شده اند که ۳۰۰ تن از آنها سه ستاره بوده اند و از تحصیل در مقاطع تحصیلی بالاتر محروم شده اند.

قریب به ۷۰ تشکل دانشجویی در تعطیل یا فعالیت هایشان معلق شده است.

[۲] از جمله، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

منحل کردن سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و حذف شمار بسیار زیادی از کارشناسان از روند تصمیم‌گیری، چیزی که حتی مورد مخالفت مجلس شورای اسلامی هم قرار گرفته و بخشی از قانون‌گزیزی هم مربوط به این امر است. عدم تغییر ساعت رسمی کشور در آغاز بهار (در سال اول زمامداری آقای احمدی نژاد) که با توجه به هزینه زیاد آن سبب مداخله مجلس و تصویب قانون برای اجرای اجباری آن شد. تغییر ساعات کار بانک‌ها و مقاومت در برابر تصحیح آن. منحل کردن شوراهای عالی در کشور که باز موجب واکنش مجلس شد. اعلام طرح‌های زود بازده اقتصادی و ملزم کردن بانکها به اعطای تسهیلات ویژه برای اجرای آنها، که موجب افزایش نقدینگی، افزایش قیمت بی‌رویه مسکن و افزایش طلبهای معوقه بانک‌ها شد و در بهبود تولید صنعتی نیز نقش معناداری نداشت. اجرای شتاب‌زده بخشی از طرح تحول اقتصادی، پیش از نهایی شدن و تصویب آن، و آمارگیری با هزینه زیاد که سرانجام آن را از مجلس پس گرفت. محدود کردن مدیران به نیروهای "خودی" کم‌تجربه و هزینه‌آفرین.

[۳] [افزایش جمعیت بیکاران کشور به بیش از چهار میلیون نفر و رسیدن به آستانه تحمل جامعه (نرخ بیکاری به ۱۲ درصد افزایش یافته است)، رشد اقتصادی ۵٫۶ درصدی (در حالی که براساس برنامه چهارم رشد اقتصادی ایران ۱۲٫۲ درصد پیش‌بینی شده بود)، کسری بودجه ۴۴ هزار میلیارد تومانی در سال ۸۸ (بنا به اعلام مرکز پژوهش‌های مجلس)، افزایش ۲۵ درصدی نرخ تورم، واردات (حدوداً) ۱۲ میلیارد دلاری در زمینه محصولات کشاورزی که ۸/۲ میلیارد دلار آن برای ورود ۶ میلیون تن گندم و بقیه برای وارد کردن ۲/۱ میلیون تن روغن نباتی، ۳/۱ میلیون تن شکر، ۱/۱ میلیون تن برنج، ۵/۴ میلیون تن علوفه و... بوده و... تنها گوشه‌ای مدیریت اقتصادی دولت نهم است. همچنین در گزارش تفریغ بودجه سال ۱۳۸۶، اعلام شده که در ۱۷۰ مورد از ۳۱۲ بند و تبصره قانون بودجه ۸۶ (یعنی ۵۴ درصد بندها یا اجزای تبصره‌ها) تخلف صورت گرفته است. در سال ۸۶، شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت بیشتر از ۵/۲ برابر بودجه مصوب خرج کرده‌اند.

وارد کردن ۸/۵ میلیارد دلار فرآورده‌های نفت به جای ۸/۳ میلیارد دلار مجاز. این تخلف در دو سال گذشته به ۵ میلیارد دلار رسیده است. قانون‌گزیزی در این مورد به قدری گسترده بوده است که رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس آن را "دست بردن در جیب ۷۰ میلیون نفر" نامید.

قانون گریزی شدید قوه مجریه باعث شده است که سلامت اقتصادی ایران با ۵۴ پله سقوط، به رتبه ۱۴۱ در میان ۱۸۰ کشور برسد و از لحاظ شاخص‌های اشتغال و بیکاری، در سال ۲۰۰۷، در میان ۱۷۸ کشور جایگاه ۱۳۵ ام را داشته باشیم.

مطالبات معوقه بانک‌ها به ۳۰ تریلیون تومان رسیده که تنها ۳ تریلیون تومان وثیقه به وسیله بانک‌ها ضبط شده است.

رکود شدید صنایع چای، قند، نساجی و ... با وارد شدن مهار گسیخته محصولات این صنایع از خارج.

وابستگی بیشتر تولید ناخالصی ملی به نفت، به علت عدم سرمایه‌گذاری در بخشهای دیگر. افزایش شکاف طبقاتی (نسبت درآمد دهک اول به دهک آخر ۲۱ برابر شده است).

اسامی انجمن‌های اسلامی امضا کننده بیانیه

- ۱- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اراک
- ۲- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تبریز
- ۳- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز
- ۴- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان
- ۵- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه کاشان
- ۶- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه همدان
- ۷- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه کرمان
- ۸- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شریف
- ۹- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه محقق اردبیل
- ۱۰- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه نوشیروانی بابل
- ۱۱- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر
- ۱۲- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شهید عباسپور
- ۱۳- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز
- ۱۴- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه سهند تبریز
- ۱۵- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه مازندران
- ۱۶- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه فروسى مشهد (فراکسیون مدرن)
- ۱۷- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه چمران اهواز
- ۱۸- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه سیستان
- ۱۹- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه سبزوار
- ۲۰- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه دامغان
- ۲۱- تشکل اسلامی دانشجویان اصلاح طلب دانشگاه بین المللی قزوین

- ۲۲- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان
- ۲۳- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه ایلام
- ۲۴- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه
- ۲۵- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم
- ۲۶- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه باهنر شیراز
- ۲۷- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه لرستان
- ۲۸- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه سمنان
- ۲۹- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه ارومیه
- ۳۰- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه رجایی
- ۳۱- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه بیرجند
- ۳۲- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد
- ۳۳- مجمع اسلامی دانشجویان دانشگاه سمنان
- ۳۴- انجمن اسلامی دانشجویان دموکراسی خواه دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران
- ۳۵- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه کردستان
- ۳۶- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه
- ۳۷- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی شیراز
- ۳۸- انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده امور اقتصادی و دارایی
- ۳۹- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه آزاد واحد کرج
- ۴۰- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شهرکرد
- ۴۱- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شاهرود
- ۴۲- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی
- ۴۳- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر
- ۴۴- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان
- ۴۵- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان
- ۴۶- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه هرمزگان
- ۴۷- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم تبریز
- ۴۸- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه مهاجر اصفهان
- ۴۹- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه آزاد واحد کاشمر
- ۵۰- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
- ۵۱- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زنجان
- ۵۲- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه هنر

۵۳- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان

۵۴- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه آزاد شهر تهران